

تجارب الامم

از دکتر ابوالقاسم امامی

آنچه در پی می‌آید، برگرفته از مقدمه‌ای است که بر متن مصحح خود از تجارب الامم به عربی نوشته‌ام. به این امید که بتوانم سرگذشت این تصنیف پرارزش را در این گفتار کوتاه بازگو کنم. پس، از مصنف آغاز می‌کنم:

مسکویه، یا به فارسی نامش، مشکویه رازی (احمدبن محمدبن یعقوب) فیلسوف بزرگ قرن چهارم هجری، و از چهره‌های درخشان حکمت و اندیشه اسلامی است که از سال ۳۲۰ هجری، سال روی کار آمدن آل بویه، تا سال ۴۲۱ یعنی یک قرن کامل در درخشانترین و شکوفاترین ادوار تمدن اسلامی زیسته است: زیست‌نگاران و مورخان حکمت، اعم از قدما و متاخران، با توجه به آثار علمی پرارزشی که در زمینه‌های مختلف از خود برجای نهاده، او را: حکیم، طبیب، فیلسوف اخلاق، مورخ، ریاضی‌دان، زبان‌شناس، ادیب، شاعر، نویسنده، باهوش، نقاد، تیزفهم، آگاه بر نامه‌های کهن و زبانهای باستانی خوانده‌اند. علاوه بر لقب مسکویه، القابی همچون: خازن و ندیم نیز، به‌ویژه در ارتباط با آل بویه که پیوندش بدیشان نزدیک و استوار بوده، بدو داده‌اند. به گفته عاملی، مسکویه را معلم سوم نیز گفته‌اند، بیشتر به‌علت غوری که در فلسفه عملی و علم اخلاق کرده، و شالوده استواری که برای آن ریخته، و ژرف‌نگریهایی که نشان داده است.

مسکویه، علاوه بر درخشش بی‌مانندی که در زمینه فلسفه اخلاق

داشته به عنوان مورخ بی‌همتا نیز شناخته می‌شود، مورخی که نگرش تاریخی او از نگرش فلسفی و رفتار شناختی او جدا نیست و او را در میان مورخان بزرگ اسلامی بی‌هیچ گزافه‌ای ممتاز می‌کند. مسکویه تنها تاریخ‌نگاری است که روش استدلال فلسفی و انگیزه کشف علت و معلول در حوادث تاریخ، و ارزیابی عمل‌گرایانه آن را در نوشتن تاریخ، یکجا گرد داشته است. از مورخان بزرگ ما، هیچ تاریخ‌نگار دیگری در صدد بیرون کشیدن نتایجی که در رویدادهای تاریخ نهفته است، و اندرزهایی که از آن می‌توان گرفت، و تجربه‌هایی که می‌توان اندوخت، مانند مسکویه برنیامده است. در واقع، مسکویه در تجارب‌الامم، با همان چهره‌ای دیده می‌شود که در تهذیب‌الاخلاق، یا در الفوز‌الاصغر، یا در جاویدان خرد، یا در «شواملی» که در پاسخ «هوامل» ابوحیان نوشته است، یا در آثار دیگری که درباره روان و رفتار آدمی نگاشته، رخ می‌نماید. نقادان، وی را نخستین کسی می‌دانند که به نوشتن علمی تاریخ دست یازیده، راهگشای فلسفه تاریخ و تاریخ‌نگاری علمی شده است.

اگر طبری را در نوشتن تاریخ، فقیه و محدث، و یعقوبی و مسعودی را جهانگرد، و بیرونی را دانشمند به معنی امروزی، و ثعالبی را ادیب می‌یابیم، مسکویه فیلسوفی است که کتابی حکیمانه در تاریخ نوشته است و در کار خود به اصالت عمل نظر داشته است. به گفته نقادان شیوه‌های تاریخ‌نگاری که تاریخ را در ترازو نهاده‌اند، مسکویه با نوشتن تجارب‌الامم در قرن چهارم هجری، الگویی برای کسانی چون: رشیدالدین فضل‌الله (۶۴۵-۷۱۸) در جامع‌التواریخ، و ابن خلدون (۷۳۲-۸۰۶) در مقدمه‌اش، و کافیجی (قرن نهم) در کتاب خود: المختصر فی علم التاریخ، و سخاوی (۸۳۰-۹۲۰) در کتاب خود: الاعلان بالتویخ لمن ذم اهل التاریخ، بوده است.

تجارب‌الامم او، به عنوان مأخذی پرارزش در زمینه تاریخ و فرهنگ اسلام و ایران، از سه امتیاز مهم برخوردار است:

۱) در بخش ایران پیش از اسلام، مسکویه متون باستانی پرارزش و بی‌مانندی را آورده است که در آثار مورخان بزرگی همچون: طبری، یعقوبی، دینوری، مسعودی، ثعالبی، ابن‌اثیر، ابن‌خلدون و دیگران نیامده

است. از آنهاست عهد اردشیر که پاره‌ای آن را کهن‌ترین متن يك پارچه و تألیف شده‌ای می‌دانند که از تاریخ ایران پیش از اسلام به دست ما رسیده است. یا مانند اتوبیوگرافی انوشیروان که مسکویه به گفته خود، آن را از کتابی که انوشیروان خود، دربارهٔ کشورداری و خاطرات خویش نوشته، در تجارب‌الامم آورده است.

مسکویه، این متون و همانندهای آن را از چه منابعی گرفته که دست همکاران مورخ او از آن کوتاه مانده است؟ مسکویه به دلیل نزدیکی ویژه‌ای که با امیران و وزیران آل‌بویه، از جمله عضدالدوله و پسرش ابوالفتح، یا ابن‌العمید و دیگران داشته، کتابخانه‌های بسیار نفیس و پرازش ایشان که وصف آنها در تاریخ کتابخانه‌های بزرگ تاریخ خواندنی است، در اختیار او یا زیر سرپرستی وی بوده است. کتابخانه‌هایی که نامه‌های باستانی و علوم و فنون نوین و برنای اسلامی آن زمان را در خود یکجا داشته، و مسکویه در نوشتن تاریخ خود، چه در بخش پیش از اسلام و چه پس از آن، از آن سود فراوان جسته است.

(۲) در بخش مربوط به آل‌بویه، از آنجا که مسکویه از معاصران این دوره و از نزدیکان امیران و وزیران آل‌بویه است، و با بسیاری از شخصیت‌های برجسته آن روزگار پیوندی نزدیک داشته، گزارش‌های کتاب، بی‌هیچ واسطه‌ای به کتاب تجارب‌الامم راه یافته است. زیرا بیشتر آن از مشاهدات خود مسکویه، یا نقل از زبان کسانی است که سازنده تاریخ آن زمان بوده‌اند، و به گفته مسکویه، به پایه مشاهدات شخصی یا گزارش مستقیم است؛ و همین خود سبب شده است تا تجارب‌الامم برای کسانی که در تاریخ آل‌بویه و ویژگی‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آن روزگار پژوهش می‌کنند به عنوان مأخذی اصیل و دست‌اول شناخته شود.

(۳) روش تاریخ‌نویسی مسکویه که محققان از خودی و بیگانه دربارهٔ آن سخن‌های بسیار گفته‌اند و ستایشها کرده‌اند. به گفته خاورشناس کایتانی، در مقدمه فتوگراف نسخه ایاصوفیا: «وی که از ریشه‌ی ایرانی برآمده است، یکی از پیشروان تاریخ‌نویسی به زبان تازی است.

فزون براین، اثری که از مسکویه برجای مانده، برشالوده‌ای

استوار است که از نگاه روش شناختی، با اصولی که در نزد تاریخ‌نویسان باخترزمین و مورخان متأخرتر به کار بسته می‌شود، خویشاوندی نزدیک دارد. مسکویه برخلاف سلف شهیر خود طبری که هدف عمده‌اش گردآوری مایه‌های تاریخی و ارائه همگی آن به ترتیبی شایسته بود، بر آن شد تا تاریخش همچون ساختی اندام‌وار تصنیف گردد، و از این رهگذر، اندیشه‌های بنیادین، چنان که کل تصنیف را به هم می‌پیوندد، عنصر آفریننده در سراسر اثر شود. در صفحات این اثر عنصری شخصی به چشم می‌خورد که جای آن در سایر تصنیف‌های تاریخی این مرحله خالی است. تجارب‌الامم، آشکارا، کاری است برآمده از ذهنی استدلالی که در پرتو برداشتی والا از هدف و وظیفه مورخ عمل می‌کند. از این رو، مسکویه نسبت به مورخان پیشین و معاصران خویش که به تازی نوشته‌اند، برتری بزرگی نشان می‌دهد. وی بدان خشنود نیست که به گردآوری مایه‌های تاریخی و ارائه آن در یک سامان گاه شناختی بسنده کند. چه، وی بر این باور است که رویدادهای گذشته، با شبکه‌ای از شؤون و مصالح بشری به هم پیوند داشته است و در حقیقت تاریخ نیز، چنان که وی می‌بیند، همین است و در گزارش راستین آن، خردمند چیزی خواهد یافت که کانی از دانش ارجمند است».

مسکویه، چنان که روزنتال نیز گفته، به حوادث بی‌ارزش تاریخ به قدرت توجه می‌کند و رویدادهایی را که از ارزش راستین برخوردارند به خوبی باز می‌شناسد و آنها را با ارتباط منطقی و خردمندانه ارائه می‌کند. وی تاریخ خود را در کمال بی‌طرفی نوشته است و به گفتار مارگلیو، از آن جا که وی در خدمت امیران و وزیران آل‌بویه می‌زیسته است انتظار آن بود که از ایشان ستایش بسیار کند. لیک، می‌بینیم که در نوشتن تاریخ به هیچ‌روی، از ایشان جانب نگاه نداشته، بل بی‌طرفی شگفتی نشان داده است.

نسخه‌ها و پاره نسخه‌ها :

باین همه، تجارب‌الامم از لحاظ چاپ و نشر به سرنوشت شگفتی دچار آمده که هرگز درخور پایگاه بلند اثری مانند آن نبوده است.

تا نخستین دهه قرن بیستم، از نسخه‌ی کامل و قابل اعتمادی که همه بخشهای ششگانه آن را (بخش هفتم ذیل تجارب‌الامم است که روذراوری بر آن افزوده است) دربرگیرد نشانی نبود. تا آن که در بررسیهایی که زیر نظر خاورشناس کایتانی در گنجینه‌های خطی ایاصوفیا در ترکیه انجام گرفت نسخه‌کاملی از این اثر، از زیر غبار قرون خود نمود و محققان را برآستی شادمان کرد. به‌رحال نسخه‌ها و پاره‌نسخه‌هایی که تا امروز از این کتاب شناخته شده است از این قرار است:

(۱) نسخه ایاصوفیا - نسخه‌ای است کامل در شش بخش و به‌خط محمد بلخی که در ۵۰۵-۵۰۶ هجری یعنی اندکی پیش از نهصد سال پیش کتابت شده و در کتابخانه ایاصوفیای استانبول در ترکیه نگاهداری می‌شود.

(۲) نسخه ملك. نسخه‌ای است از لحاظ کمیت کامل ولی به‌لحاظ اغلاط فراوانی که دارد به‌تنهایی هرگز قابل اطمینان نیست. این نسخه در کتابخانه ملك در تهران نگاهداری می‌شود.

(۳) نسخه دوم ملك. نسخه‌ای است که هرچند از لحاظ صحت نسبی رضایت‌بخش است، لیکن از لحاظ کمیت ناقص است و فقط يك سوم متن تجارب‌الامم را شامل است.

(۴) نسخه آستان‌قدس. این نسخه نیز ناقص است و از لحاظ کمیت تقریباً با نسخه دوم ملك برابر و يك سوم متن کتاب است.

(۵) نسخه پاریس. این نسخه مشتمل بر حوادث سنوات ۲۴۹-۳۱۵ هجری است که این نیز به‌نوبه خود ناقص است.

(۶) نسخه بادلیان. نسخه‌ای است ناقص و مشتمل بر حوادث سال ۳۴۰ تا ۳۶۵ هجری.

(۷) نسخه آمستردام. نسخه‌ای است ناقص که مشتمل بر حوادث سنوات ۱۹۶ تا ۲۵۱ هجری است.

(۸) نسخه اسکوریال. نسخه‌ای است ایضاً ناقص، شامل سنوات ۳۶ تا ۶۷ هجری.

(۹) نسخه غازان. مشتمل بر سالهای ۱۶۳ تا ۱۷۲. نسخه‌ای است بسیار ناقص.

(۱۰) نسخه لنینگراد (پترسبورگ). مجلد پنجم که در مجله آکادمی علوم، سال ۱۹۲۴ معرفی شده است.

بخشهای تکثیر شده توسط کایتانی :

بخش اول و بخش ششم نسخه ایاصوفیا توسط لئون کایتانی و از سوی بنیاد گیب، در سالهای ۱۹۱۰، ۱۹۱۳، ۱۹۱۷ در لیدن فتوگراف شد یعنی نسخه خام و دست نخورده تکثیر گردید که هرگز به معنی چاپ این بخشها به حساب نمی آید.

کایتانی هرچند در اندیشه تکثیر همه بخشهای نسخه ایاصوفیا و سپس تصحیح و چاپ آنها بوده لیک بنابه شرایط جنگ اول و اهمیت ویژه این بخشها در مقایسه با تاریخ طبری تکثیر آنها را بر سایر بخشها، مقدم داشته است. باری، یادداشتهایی که به زبان انگلیسی، همراه با فتوگراف سه بخش نامبرده ایاصوفیا از سوی کایتانی و همکاران او در بنیاد گیب افزوده شده عبارت است از: مقدمه کایتانی برای بخش اول (۵ صفحه)، یادداشت آمدروز درباره زندگی و آثار مسکویه (۱۳ صفحه) ملخصی از محتوای بخش اول به قلم ملونی، و یک فهرست اعلام تهیه شده توسط ملونی. کارلسترنج هم این بود که ملخص و فهرست ملونی را قبل از چاپ یک بار دیده است.

در بخش پنجم، مقدمه‌های از کایتانی (۴ صفحه) با ملخص و فهرست. اما بخش ششم جز مقدمه‌های از لسترنج (۲ صفحه) چیزی به همراه ندارد.

بخشهای چاپ شود توسط آمدروز و مارگلیوت:

بخش پنجم و ششم ایاصوفیا با اسقاط ۵۶ صفحه از اول بخش پنجم و انتقال ۲۸ صفحه از آغاز بخش ششم به پایان بخش پنجم توسط آمدروز عضو هیئت امنای گیب همراه با ذیل تجارب‌الامم نوشته روزراوری و قطعه‌ای از تاریخ هلال صابی (دو قسمت اخیر در یک جلد) جمعاً در سه جلد در قاهره و به سال ۱۹۱۴، ۱۹۱۵، ۱۹۱۶ چاپ شد. با توجه به این که آمدروز در نیمه راه کار چاپ ذیل تجارب‌الامم در گذشت و نیمه دوم آن توسط مارگلیوت انجام پذیرفت. پس آنچه توسط آمدروز و در

بخش پایانی توسط مارگلیوٹ منتشر گردید، دو جلد پنجم و ششم تجارب الامم و يك جلد ذیل آن است که خود از دو قطعه کوچکتر نوشته روزراوری وهلال صابی بدست آمده است. و این سه مجلد (از تجارب الامم و ذیل) توسط مارگلیوٹ به انگلیسی ترجمه شده است که با يك مقدمه (۱۱ صفحه) و يك فهرست (۱۱۴ صفحه در مجلد جداگانه) تحت عنوان افول خلافت عباسی منتشر گردید (آکسفورد ۱۹۲۰-۱۹۲۱). و حاصل کار این دو خاورشناس، از چاپ متن و ترجمه انگلیسی و يك جلد فهرست، جمعاً هفت مجلد بوده است. و همین چاپ آمدروز است که انتشار آن همزمان با تألیف کتاب تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام اثر آیه الله سید حسن صدر بوده است. وی در کتاب خود، در آن زمان ضمن تأکید بر اهمیت تجارب الامم نوشت: «کتابی است درباب خود بسیار ارزشمند که شنیدم این روزها از چاپ درآمده است». متأسفانه چنانکه دانستیم فقط بخشی (۲ مجلد همراه با ذیل) از تجارب الامم درآمده بوده است.

قطعه چاپ شده توسط دوخویه :

دوخویه خاورشناس دیگر، پاره نسخه آمستردام را که بخشی از مجلد چهارم تجارب الامم را شامل می شود، به سال ۷۱-۱۸۶۹ با ترجمه لاتینی به چاپ رسانید که همراه با قطعه دیگری تحت عنوان العیون والحدائق فی اخبار الحقائق همراه است.

قطعه چاپ شده در غازان شوروی :

بنابر آنچه دکتر عبدالرحمن بدوی در مقدمه جاویدان خود خبر می دهد ظاهراً بخش سوم و نیمی از بخش چهارم تجارب الامم در غازان شوروی چاپ شده است که هرچه جسته ایم آن را نیافته ایم، تانه کمتر، به عنوان پاره نسخه ای، بر حسب مورد از آن سود جوییم.

سرانجام، می توان گفت: بخشها و قطعات چاپ شده این اثر را اگر در کنار یکدیگر نهیم، چیزی در حدود نیمی از کل بخشهای کتاب را دربر خواهد گرفت بی آن که تسلسلی در میان آنها باشد، یا تابع يك

تقسیم‌بندی منطقی بوده باشد. به عبارت دیگر، این اثر ارزنده که شرق و غرب و خودی و بیگانه به ارزش کم‌نظیر آن اعتراف دارند تاکنون حتی یک چاپ درست و کامل که همه بخشهای آن را دربرگیرد از آن در دست نبوده است.

آنچه ما منتشر می‌کنیم:

اما متنی که به تصحیح و ترجمه این جانب، هم‌اکنون در حال چاپ و انتشار است و دو جلد متن عربی آن تاکنون از چاپ درآمده است (تهران، انتشارات سروش ۱۳۶۶) شامل همه مجلدات هفتگانه تجارب‌الامم با احتساب ذیل) و ترجمه فارسی آنها خواهد بود که با افزودن یک جلد فهرست به‌دوره متن عربی، و یک جلد فهرست به‌دوره ترجمه فارسی، و نیز الحاق یک مجلد درباره زندگی و کارنامه علمی مسکویه به دو زبان عربی و فارسی به‌هریک از دو مجموعه، سرانجام و بهیاری خدا هجده مجلد از کار در خواهد آمد.

در تصحیح متن تجارب‌الامم، اساس کار ما همان نسخه معتبر ایاصوفیاست، و از نسخه‌های دیگری که نام برده‌ایم و در دسترس بوده است و نیز متون تاریخی مشابه همچون طبری، و تاریخهای دیگر و منابعی شبیه آن، در کنار کار و برحسب موارد استفاده شده است که شرح روش ما در مقدمه متن، و معرفی نسخه‌ها و منابع تحقیق، در این کار، و نیز معرفی مسکویه و ویژگیهای تاریخ‌نویسی او، در مقدمه متن عربی کتاب در ۳۱ صفحه به عربی و تحت عنوان: «تصدیر عام حول مسکویه و تصنیف تجارب‌الامم» به‌طور مستند و با ذکر مآخذ تشریح شده است. از این رو، در این گفتار به‌علت پرهیز از درازی سخن و دوباره کاری، از ذکر مآخذ خودداری کرده‌ایم و کسانی را که مایل به جزئیات بیشتر و آشنایی با مآخذ باشند بدانجا ارجاع می‌کنیم.

در اینجا یادآوری این نکته لازم می‌نماید که تصحیح و تحقیق در قسمت پیش از اسلام تجارب‌الامم یعنی نیمه اول مجلد اول آن، و نیز یک مقدمه مفصل تحقیقی درباره احوال و آثار مسکویه و شیوه تاریخ‌نویسی او موضوع رساله دکتری اینجانب بوده است که در ۱۳۵۴ یعنی دوازده

سال پیش، به‌عنوان موضوع تصویب گردید و در یازده سال پیش، یعنی در ۱۳۵۶ از آن دفاع شد و با حسن ظن استادان و هیئت ژوری دانشکده الهیات و معارف اسلامی با درجه «بسیار خوب» گذشت. در حالی که آشنایی من با تجارب الامم واصل کارمن درباره این اثر و مؤلف آن، از سال ۱۳۴۹ یعنی هفده سال پیش آغاز شده بود و این در پی قراردادی بود که برای ترجمه بخش اول تجارب الامم از روی همان فتوگراف کایتانی، با یکی از مراکز نشر بسته بودم. به‌هرحال تحقیقاتی که در چهارچوب رساله‌ام انجام داده بودم، با تغییرات کمی و کیفی بسیار، در طرح بزرگ چاپ متن و ترجمه تجارب الامم و معرفی دوزبانه مسکویه مستحیل شده و بارور گردیده است. تاکنون عمری را در این راه نهاده‌ام و امیدوارم چندان بمانم که این کار را به‌انجام برم و آخرین مجلد چاپ شده آن را به‌چشم ببینم. باشد که از این رهگذر خدمتی هرچند کوچک به تحقیق و اهل تحقیق کرده باشم.